

موضوعی

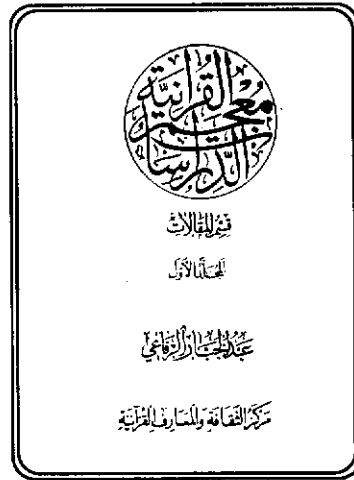
اجمالی

معجم الدراسات القرآنیة

عبدالجبار الرفاعی .

قم مرکز الثقافة والمعارف
القرآنیة ۱۴۱۳ . ج ۱ و ۲ ،
۴۹۳+ ص ، وزیری .

پژوهشها و
نگارشهای عالمان و
محققان اسلامی در آستانه
قرآن و در جهت تبیین و
تفسیر حقایق کتاب الهی و
گزارش معارف و
آموزه‌های آن، که از آغاز
سالهای ظهور و بروز



اسلام و نشر قرآن آغاز شد و در سده‌های واپسین رشد یافت و گسترده‌تر گشت، بسی پر برگ است و پر بار. میدان این پژوهشها در قرن چهاردهم به گونه‌ای اعجاب آور دامن گسترده و محققان و عالمان صدها کتاب و مجموعه در این جهت نگاشتند و مباحث و مطالب فراوانی را عرضه کردند. ظهور و بروز مجلات و نشریات ادواری در این قرن از عوامل مهم گسترش نگارشها و پژوهشها و تک نگاریها در موضوعات مختلف اسلامی و از جمله قرآنی است. موضوعات فراوانی که نشر در یک اثر جداگانه را بر نمی‌تابید در ضمن این مجموعه‌ها به گونه‌ی مقاله‌ی نشر یافت و بدین سان کند و کاوهای مسلمانان در موضوعات اسلامی دامن گسترده. بی‌گمان آگاهی از چند و چونی موضوع و منابع آن و پژوهشهای پیشین اوکین گام برای هر پژوهنده است. نگاهی گذرا به تحقیقات عالمان معاصر نشان می‌دهد که آگاهی بسیاری از آنان از پژوهشهای نشر یافته در مجلات و نشریه‌ها بسیار اندک است؛ و این در حالی است که گاه در این مجموعه‌ها بحثهای بسیار مستند، دقیق و عالمانه توان یافت.

کتابشناس سختکوش، جناب عبدالجبار رفاعی، همت ورزیده‌اند و مجموعه‌ی مقاله‌های تحقیقی درباره‌ی معارف و مباحث قرآن را فهرست کرده‌اند که در دو جلد منتشر شده است. آقای رفاعی در ضمن مقدمه‌ای سودمند از پیشینه‌ی منبع‌شناسی پژوهشهای قرآنی یاد کرده و مجموعه‌هایی را که پیشتر از وی در این باره گرد آمده و بعضاً نشر یافته است بر شمرده‌اند (ج ۱/ ۲۱-۲۴) و در ادامه‌ی آن از شیوه‌ی کار و چگونگی عرضه اطلاعات در کتاب خویش سخن گفته‌اند.

پژوهش جناب رفاعی در دو بخش سامان می‌یابد: (۱) مقالات که اینک نشر یافته است، (۲) کتابها که در آستانه‌ی پژوهش و نشر است. در بخش نخست، عنوان مقاله، نویسنده، نام نشریه، سال نشر و شماره و صفحه‌ی آن، یاد می‌شود. مثلاً اعجاز القرآن فی مذهب الشیعه، توفیق الفکیکی، رساله‌ی الاسلام (القاهره) س ۳: ۳۴ (رمضان ۱۳۸۰ = یولیو ۱۹۵۱ م) ۲۹۲-۳۰۲. و در کتابها، عنوان کتاب، زبان نگارش، نام مؤلف، محقق، مترجم، نشانی نسخه‌های خطی آن، چاپها و محل و تاریخ نشر یاد می‌شود. آقای رفاعی تا آنجا که ممکن بوده رساله‌های دانشگاهی را نیز فهرست کرده و در این باره اطلاعات را بدین صورت آورده است: عنوان رساله، نگارنده، جای نگارش، دانشگاه یا دانشکده، سال نگارش، تعداد صفحات و پایه‌ی علمی آن. و اگر رساله چاپ شده باشد، اطلاعات گزارش شده مانند کتاب خواهد بود.

منابع وی افزون بر آگاهیهای مستقیم، مستند است به: فهرست ناشران، فهراس مخطوطات، فهرستهای مجلات و مجلات کتابشناسی، مانند عالم الکتب بیروت، عالم الکتاب قاهره، المورد بغداد، کتابشناسی کتابخانه‌ی ملی ایران و ... همچنین کتابشناسیهای عمومی، مانند الذریعه، معجم المطبوعات العربیه، فهرست کتابهای چاپی و ... مجموعه‌های شرح حالنگاری و مجموعه‌های تاریخ علوم مانند: تاریخ الادب العربی، تاریخ التراث العربی، مصادر الفكر العربی و ...

در این دو جلد که ویژه‌ی مقالات قرآنی است بر روی هم ۴۱۵۰ مقاله در ۷۲ موضوع فهرست و معرفی شده است. عناوین برخی از بخشها چنین است: آل البيت فی القرآن، اسباب النزول، الاقتصاد فی القرآن، الانسان فی القرآن، التفسیر، التفسیر الموضوعی، الجهاد فی القرآن، الدین فی القرآن، علوم القرآن، غریب القرآن، فضائل القرآن، القسم فی القرآن، قصص القرآن، مجاز القرآن، مخطوطات قرآنیة، المفسرون، المرأة والاسره فی القرآن، المستشرقون و القرآن، المکی

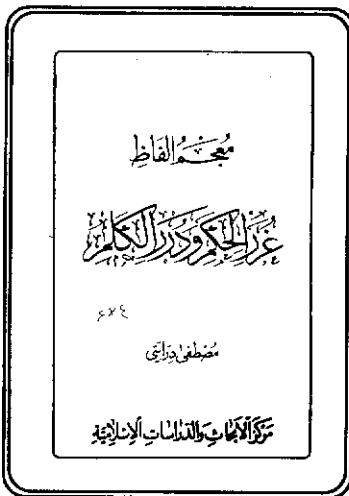
ترتیب داده می‌شد. این خلط در عنوان ۶۵ یاد شده نیز گاه رخ داده است. این را نیز یاد کنم که در ذیل «المفسرون» عنوان شماره ۳۹۰۱ درست نیست، مقاله یاد شده عربی است و در کتاب یاد شده در صفحه ۹-۴۲ آمده با عنوانی که در این فهرست به شماره ۳۹۸۲ ثبت شده است. و نیز بیفزایم که ترجمه این مقاله در کتاب هزاره شیخ طوسی، تهیه و تنظیم و مقدمه و ترجمه علی دوانی، با عنوان یاد شده در (صفحات ۲۹۷-۳۱۰) آمده است.

بهر حال تلاش و کوشش جناب رفیعی مشکور است و فهرست ارجمند وی کارآمد، و بی‌گمان جستجوگران معارف قرآنی و پژوهشیان در حقایق کتاب آسمانی را سودمند خواهد بود.

محمد علی مهدوی راد

معجم الفاظ غررالحکم و دررالکلم

مصطفی درایتی. (قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، ذی‌القعدة ۱۴۱۳). ۱۵۳۳+۱۹ص، وزیری.



معجم نگاری کتب حدیث چندی است در کشور ما سرعت در حال پیشرفت است و هر از چند یکی از منابع حدیثی با همت دانشوری به بازار علم عرضه می‌شود. توجه به این مهم برکاتی در پی خواهد داشت که بیشتر عالمان و محققان بر آن واقفند؛ زیرا حدیث در منابع شیعی، زیر بنای

بسیاری از پژوهشهای استوار است و کمتر تحقیقی است که برای تأمین اهداف خود بی‌نیاز از مراجعه به گفتار معصومین -علیهم السلام- باشد. معجم نگاری کتب حدیث مجموعه نیازهای روایی محقق را سرعت مرتفع نموده و به اتقان کار محققان می‌افزاید.

معجم الفاظ غررالحکم و دررالکلم اثر جدیدی است که دستیابی به حدود یازده هزار روایت کوتاه و بلند از مولای متقیان علی -علیه السلام- را که در کتاب شریف غررالحکم آمده، سهل نموده است. روایات این کتاب به علت کوتاهی متن و بلندی مضمون و شمول بسیاری از معارف، از جایگاه بلندی برخوردار است. گرچه مؤلف کتاب، به علت کاستن از حجم، یا حذف

والمندنی، نزول القرآن، الوحی، اليهود فی القرآن و ...

نگاهی گذرا به این مجموعه نشانگر گسترش تأمل برانگیز پژوهشهای قرآنی، بویژه در جهان عرب، است، اما اینک و پیشتر از آنکه به نکاتی درباره این مجموعه بپردازیم یاد آوریم کنیم که بخش عظیمی از این مقالات در مجلات عربی نشر یافته است که غالباً یک نسخه از مجموعه آنها نیز در کتابخانه‌های ایران یافت نمی‌شود. برآستی جای مجلات در کتابخانه‌های عمومی و یا کتابخانه‌ای ویژه مجلات در مراکز پژوهش بشدت خالی است. پیشنهاد هوشمندانه استاد محمد رضا حکیمی را بیاوریم:

تصور می‌کنم یکی از اقدامهای مناسب و لازم و بسیار سودمند- هم اکنون- تأسیس کتابخانه‌ای باشد شامل مجلات، بویژه مجلات علمی، و تحقیقی و کتابشناسی، و مجلات ادبی و هنری، و مجلات نقد و بررسی، و مجلات اقتصادی و سیاسی. (آینه پژوهش، شماره ۹، ص ۶۳).

استاد پس از این درباره چگونگی تشکیل و تنظیم این کتابخانه پیشنهادهایی را یاد کرده‌اند که خواندنی و قابل توجه است.

بهر حال این مجموعه از مجموعه‌های بسیار سودمندی است که عناوین و نشانه‌های انبوهی از پژوهشهای قرآنی را در پیش دید محققان نهاده است. ضمن دست‌مریزاد به جناب رفیعی و ستایش همت «مرکز فرهنگ و معارف قرآنی» نکاتی یادآوری می‌کنم:

جناب رفیعی بدرستی یادآور شده‌اند که از هیچ کوششی در تدوین این مجموعه دریغ نورزیده‌اند، اما بلحاظ گستردگی پژوهشهای قرآنی هرگز بر این باور نیستند که این مجموعه نشانهای تمام نگارشهای قرآنی در قالب مقاله را گزارش کرده است. در مثل در اولین عنوان «آل‌البيت فی القرآن» از مقاله مفصل و ارجمند «جلوه‌های تشیع در کشف الاسرار» (یادنامه علامه امینی، ص ۱۶۳-۲۳۰) یاد نشده است، دو دیگر اینکه یاد کرد مقاله «رسالة حول التفسیر المنسوب الی الامام العسکری (۲۲)» در ذیل این عنوان بجا نیست. و چنین است شماره ۲۱ و مقاله «فضیلت‌نامه علی (ع) از کتاب و سنت» (۲۸) که در کیهان فرهنگی چاپ شده است.

در ذیل عنوان «التفسیر» درهم آمیختگی شگفتی وجود دارد. ظاهر عنوان چنین می‌نماید که در این بخش مقالات تفسیری معرفی خواهد شد و غالباً چنین نیز هست، اما در ضمن این فصل مقالاتی درباره شیوه‌های تفسیری، اسرائیلیات در تفسیر، کتابشناسی تفسیری، تاریخ تفسیر و تطوّر آن، مقدمات تفسیر و ابزار آن، مصطلحات قرآنی و ... آمده است. ظاهراً باید بخشی از این مقالات در عنوان ۶۵ (المفسرون) ثبت می‌شد و برای برخی عنوان ویژه

۳- حروف کتاب به نظر می‌رسد از کتابی دیگر بریده شده و زحمت حروفچینی جدید را از ناشر گرفته است.

۴- طبق گفته خود ایشان به هر صورت مراجعه کننده از اصل کتاب کاملاً بی‌نیاز نیست، چون برخی از روایات بسیار بلند تقطیع شده است.

مشخصات خاص معجم مورد بحث:

- ۱- حجم کتاب به یک جلد و در ۱۵۳۳ صفحه- یعنی کمتر از نصف معجم آقای برازش تقلیل یافته است.
 - ۲- روایات بلند در متن کوتاه شده و با شماره‌ای در داخل پرانتز، مراجعه کننده به آخر همین معجم جهت یافتن روایت کامل راهنمایی شده است.
 - ۳- در آخر معجم فقط روایات کوتاه شده به صورت کامل و با شمارهٔ مسلسل آورده شده است.
 - ۴- با ابتکار به کار رفته در این معجم، مراجعه کننده اصلاً نیاز به اصل کتاب ندارد؛ زیرا تمامی روایات تقطیع شده به صورت کامل در آخر معجم موجود است.
 - ۵- برخی از روایات بلند که کوتاه شده است و اندکی مفهوم کلام نامعلوم بوده است با ارجاع به اصل مطلب در داخل دو پرانتز کوچک «» مفهوم کلام روشن شده است.
 - ۶- کلیهٔ ماده‌ها از یکدیگر تفکیک و حروف مقطع آن جهت سرعت بازیابی در وسط آورده شده است.
 - ۷- فهرستی از کلیهٔ هیئت‌های به کار رفته به آخر معجم افزوده شده و به صورت الفبائی مرتب شده است و این فهرست برای کسانی که بازگرداندن کلمه به ریشه اصلی آن بر ایشان مشکل است، کارآمد و مفید است و با شماره‌ای در مقابل آن مراجعه کننده به همین معجم راهنمایی شده است.
 - ۸- در راهنماهای سر صفحه کتاب، دقت کامل شده و اطلاعات مکفی و مناسبی پیش‌بینی گردیده است.
 - ۹- متن کامل آقا جمال خوانساری با غررالحکم نجف مقابله شده و برخی از نسخه‌ها که دارای معنی بوده فیش گردیده است.
 - ۱۰- قیمت کتاب به حدود نصف تقلیل یافته و حروفچینی و صفحه‌آرایی کتاب مناسب و چشم‌نواز است.
- بدون آن که تلاش و پشتکار جناب آقای برازش را نادیده بگیریم، باید گفت که بسیاری از امتیازات برشمرده برای این معجم در واقع کاستیهای فنی و ظاهری معجم جناب آقای برازش است، گرچه به نظر می‌رسد کاستیهای فنی دیگری نیز در این کتاب به چشم می‌خورد. مثلاً کلمه «ابلیس» در ماده «الف» آورده شده است، در حالی که جای آن در ماده «ب» است و اگر مؤلف در اعلام روش

اسانید کمی از اعتبار آن کاسته است، ولی مضامین بلند بسیاری از روایات و کلمات قصار حضرت در این مجموعه، آن را به دایرةالمعارفی عمیق و پربار بدل ساخته است. مضافاً اینکه بسیاری از روایات این کتاب در میان جوامع دیگر روایی با سلسلهٔ اسانید آن آمده است.

کمی پیشتر نیز معجم الفاظ این کتاب به همت جناب آقای علی‌رضا برازش در سه جلد عرضه شده است؛ ولی تفاوت‌های فاحشی در این دو معجم وجود دارد که شاید چاپ مجدد آن را ضروری می‌نمود. جناب آقای برازش بر خلاف معجم اصول کافی که روایت را بسیار کوتاه و گنگ انتخاب نموده است، در این معجم تلاش کرده است که روایات کتاب کوتاه نگردد و در برخی از موارد، روایاتی با حجم یک ستون و نیم، بدون تقطیع آورده شده است و آن را به عنوان یکی از برجسته‌ترین ابتکارات خود بر شمرده‌اند، در نتیجه مجموعه‌ای در سه جلد قطور و در ۳۲۱۷ صفحه سامان داده‌اند و با دلیل موجهی مبنی بر عدم نیاز مراجعه کننده به اصل کتاب آن را ترجمه نموده‌اند. البته سخن آن است که آیا راه دیگری وجود نداشت که هم این هدف تأمین شود و هم حجم کتاب به این اندازه افزایش نیابد؟ این همان هنری است که معجم مورد معرفی را از معجم جناب آقای برازش متمایز می‌سازد و با کاهش حجم کتاب کمتر از نصف حجم کتاب جناب آقای برازش آن را در یک جلد عرضه نموده است و با داشتن این معجم نیز مراجعه کننده نیازی به مراجعهٔ اصل کتاب ندارد. البته تفاوت‌های دیگری در این دو کتاب دیده می‌شود که مناسب است مقایسه‌ای ظاهری صورت گیرد و نقد و بررسی اساسی این دو را به فرصتی دیگر موکول کنیم.

- ۱- هر دو اساس کار خود را بر غررالحکم آقا جمال خوانساری که با تصحیح جناب آقای محدث‌ارموی منتشر شده استوار نموده‌اند.
- ۲- هر دو نشانی غررالحکم آقا جمال را آورده‌اند، فقط در معجم جناب آقای برازش شمارهٔ مسلسل آمده و در معجم مورد بحث شمارهٔ جلد و صفحه، که دومی کارآمدتر است.
- ۳- هر دو مراجعه کننده را- فی‌الجمله- از مراجعه به اصل کتاب بی‌نیاز می‌سازند.
- ۴- سبک و چینش فنی هر دو کتاب تقریباً یکسان است.
- ۵- جلد و کاغذ هر دو کتاب مرغوب است.

مشخصات خاص معجم آقای برازش:

- ۱- معجم در سه جلد و با ۳۲۱۷ صفحه سامان یافته است.
- ۲- ماده‌ها در کتاب متمایز نشده و دنبال هم آورده شده است.

ص ۱۹۲-۱۹۱ و ...)

بیدین سان تئوریها و دیدگاههایی درباره نهادهای فکری و سیاسی و فرهنگی رقم زده شد که بیشتر و بیشتر از آنکه بر پایه های نصوص دینی استوار باشد بر تفسیر واقعیت موجود و توجیه شرایط حاکم بود. (نمونه را بنگرید: نظام الحکم و الاداره فی الاسلام محمد مهدی شمس الدین ص ۹۳ به بعد؛ النظام السياسي فی الاسلام، احمد حسین یعقوب، ص ۲۴ به بعد.) دیدگاهی چون عدالت تمام صحابیان، مرجعیت آنان در ابعاد مختلف اسلام، تقدس یافتن صدر اسلام و مسائل آن و اهمیت پیدا کردن جایگاه خلافت و قداست هر کس به هرگونه ای که بدان تکیه زد نیز با توجه به این نکات نکته آموز است. متفکر ژرف اندیش اردنی که بیشتر از وی کتاب گرانقدر النظام السياسي فی الاسلام، رأی الشیعه، رأی السنه، حکم الشرع را خوانده بودیم و ما از آن به اجمال سخن گفتیم (آینه پژوهش، شماره ۱۲/۸۹) اکنون اثر بیدارگر دیگرش را با نگاهی هوشمندانه به تاریخ صدر اسلام عرضه کرده و بسیاری از ناگفته ها را به عنوان نظریه عدالة الصحابه و المرجعية السياسية فی الاسلام، رأی الشیعه، رأی السنه، حکم الشرع بازگفته است. کتاب در چهارباب سامان یافته است: باب اوّل دارای شش فصل است. در فصل اوّل مفهوم «صحابه» و «صحابه» به لحاظ لغت و اصطلاح شرح شده و دیدگاه ابن حجر عسقلانی را درباره تعریف صحابه بشرح آورده است. در فصل دوم عدالت صحابه در دیدگاه اهل سنت را بازگفته و ابعاد آن را گشوده و نتایج این دیدگاه را برشمرده، و در پایان پایه های نظریه را تبیین کرده و در ترازوی نقد نهاده و سؤالیهای جدی و مهمی را در برابر تئوری «الصحابه کلهم عدول و کلهم فی الجنه» و لایدخل احد منهم النار» مطرح کرده است. در فصل سوم بتفصیل به نقد و ردّ این دیدگاه پرداخته و بی پایگی آن را نمایانده و دلایل عالمان اهل سنت را ابطال کرده است. او در این فصل بگستردهگی از تناقض این دیدگاه با قرآن، سنت نبوی، واقعیتهای تاریخی، روح فرهنگ و تفکر اسلامی بحث کرده و در پرتو تحلیل نصوصی که عرضه کرده به حقایق مهمی دست یافته است. در فصل چهارم دیدگاه شیعه را درباره صحابه و عدالت آنها بازگفته و با اشاره به بخشی از دعای چهارم صحیفه سجادیه استواری دیدگاه شیعه را درباره صحابه نمایانده است. فصل پنجم گزارشگونه ای است از ریشه های تئوری «عدالت تمام صحابیان» و نمونه هایی از مواضع صحابیان درباره یکدیگر. آنگاه فصل ششم است و نشان دادن دیدگاه استوار در شناخت صحابیان عادل و لزوم ارزیابی مواضع و زندگانی آنان بر اساس ارزشهای شرعی و بررسی دوباره دو دیدگاه درباره صحابه و مقایسه آنها. در باب دوم به ریشه های تفکر عدالت صحابی پرداخته و نکات بسیار مهمی را

دیگری اتخاذ کرده باید در مقدمه تذکر می داد.

به هر صورت این معجم با شکل و جلد بسیار زیبا و با همت آقای مصطفی درایتی سامان یافته، توسط مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی منتشر گردیده و مؤلف وعده کرده است پس از نشر تصنیف موضوعی غررالحکم و معجم الفاظ غررالحکم، بزودی ترجمه فارسی تصنیف غررالحکم را نیز نشر خواهد داد.

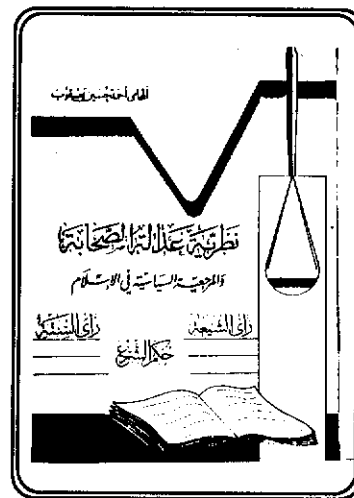
علی جعفری

نظریه عدالة الصحابه والمرجعية السياسية فی الاسلام

المحامي احمد حسين يعقوب . (قم، مؤسسه انصاریان،

۱۴۱۳). ۳۵۲ص، وزیری.

پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام، چون آرمانهای بلند آن حضرت جامعه عمل نپوشید و شکل گیری نظام سیاسی جامعه بر خلاف آنچه پیامبر بر اساس وحی رقم زده بود، تحقق یافت. و در رهبری سیاسی دگرگونی پدید آمد و مآلاً کسانی جامعه خلافت به تن کردند که از یکسوی به ناراستی آن



بر قامت خویش بخوبی آگاه بودند و از دیگر سوی به جایگاه والای علی-ع- در خلافت (نهج البلاغه، آغاز خطبه شمشقیه) و بالاخره به عدم توانایی خود در گره گشاییهای فکری و گشودن دشواریهای فرهنگی و اندیشگی جامعه. این دگرگونی در جایگاهی که باید خاستگاه نشاطها، تحرکها و جریانه می بود و جامعه را در ابعاد گونه گون آن هدایت می کرد بی گمان دیگر سانی ژرفی را در ذهنیت جامعه، ارزشها و معیارها و مرجعیت سیاسی و فکری می طلبید تا به استحکام آنچه پدید آمده بود یاری رساند و پایه های ساختار طراحي شده از سوی حاکمان را استواری بخشید. تراشیدن چهره هایی با عناوین مفسر، فقیه، مورخ در موقعیتهای مختلف و تن زدن خلیفه از حل مشکلات فکری و پاسخ پرسشهای دینی، و روی بر تافتن از تفسیر قرآن و گشودن گره های مسلمانان درباره آن از این نگاه بسیار تأمل برانگیز و تنه آفرین است. (بنگرید به خطبه جایبه خلیفه دوم، که مردم را در امور یاد شده به دیگران ارجاع داده و خلیفه را فقط مسؤل امور مالی کشور تلقی کرده است. الغدير، ج ۶،

عنوان کرده و در پنج فصل سامان یافته است. در فصل اول به ریشه‌های تاریخی آن پرداخته و در پرتو نقد هوشمندانه تاریخی موضع بنی‌امیه را در مقابل بنی‌هاشم بازگفته و آرمانها و آرزوهای آنان را درباره استیلای بر عرب و به چنگ آوردن حاکمیت، که با رسالت پیامبر بر باد رفته بود، شناسانده و آنگاه موضع خصمانه آنان را در مقابل پیامبر و ادامه آن را در چهره بظاهر اسلامی پس از پیامبر و با حضور در هیئت حاکمه تبیین کرده است. و آنگاه نشان داده است که چگونه اینان با در دست گرفتن حاکمیت از سویی و فسادها و تباهی‌ها و جهل مدارها از سوی دیگر نیازمند داشتن پایگاهی مردمی، اجتماعی و دینی بودند و این همه زمینه ساختن تئوریهایی بود از قبیل همه صحابه عادلند، و مگر نه اینکه عثمان، معاویه، مروان و ... صحابه بودند، گو اینکه مطعون پیامبر و تبعیدی و مطرود آن بزرگوار. مؤلف پس از بازشناسی دقیق ریشه‌های تاریخی و سیاسی این تئوری در فصل سوم هدف‌گیری از طرح این تئوری و نتایج آن را برمی‌شمارد و نشان می‌دهد که چسان آنان در سایه گستراندن این نظریه به توجیه اعمال خود پرداختند و زبان ناقدان و فریادگران را بریدند و مخاصمان سلطه حاکمه را از صحنه اجتماع راندند و در میان امت اسلامی تفرقه ایجاد کردند و دهها حدیث در فضیلت نابکاران زشت ساختند و پرداختند و پراکندند. و بالاخره نتیجه می‌گیرد که نظریه «الصحابه کلهم عدول ...» ریشه در دیگر سانیهای فرهنگی و دینی دارد که امویان برای استوارسازی پایه‌های حکومت و موقعیت اجتماعی خود بدان دست یازیدند. در فصل چهارم به ریشه‌های فقهی آن می‌پردازد و نقش آن را در مرجع‌سازی و شرعیت بخشیدن به دیدگاههای صحابه می‌نماید و نشان می‌دهد که چگونه با تکیه بر این شیوه با مرجعیت اهل‌البيت-ع- درآویختند و در صفحه ذهن مردم دیگرگونی ایجاد کردند، و آل‌الله را از صحنه زندگی انسانها به دور نگه داشتند و مآلاً (در فصل پنجم) نشان می‌دهد که چسان با این ترفندها توانستند دهها فضیلت برای صحابیان بتراشند و این پرداخته‌ها و ساخته‌ها را با فضایل در تقابل نهند و به بام مقصود فراز آیند. در باب سوم از مرجعیت دینی سخن گفته و در ضمن شش فصل به تبیین عقیده، مرجعیت، پیوند آن دو با هم، چگونگی تعیین مرجع دینی پس از پیغمبر پرداخته و آنگاه موضع مسلمانان را در این موضوع پس از پیامبر ارزیابی کرده است. وی با هوشمندی و دقت نشان می‌دهد که حاکمیت پس از پیامبر چگونه با تکیه بر آنچه در فصل پیشین آورد، جهت مرجعیت فکری و دینی را پس از پیامبر منحرف کردند و با گوشه نشین ساختن علی-ع- به مرجع تراشی پرداختند و متفکران و عالمان و افسین برای این واقیعت تلخ تئوریهایی توجیه‌گر آفریدند. باب چهارم عهده دار تبیین ابعاد رهبری

سیاسی پس از پیامبر و اقدام قطعی مستند به وحی رسول‌الله-ص- برای تعیین رهبری سیاسی است. او در این فصل با دقت تمام زمینه‌سازیهای پیامبر را برای خلافت علی-ع- بر می‌شمرد و شایستگیها و بایستگیهای آن بزرگوار را در تصدی این جایگاه می‌نماید و آنگاه به ریشه‌های تاریخی دیگرگونی سیاسی پس از رسول‌الله-ص- می‌پردازد و نتایج آن را باز می‌گوید، و موضع خلیفه دوم را در آستانه رحلت پیامبر در مقابل تصمیم نهایی آن حضرت برای وصیت گزارش می‌کند و اهداف خلیفه را در جلوگیری از نگارش وصیت در پرتو اسناد نشان می‌دهد و آنگاه به تحلیل و بررسی چگونگی اجتماع سقیفه می‌پردازد و در ضمن فصل دهم بروشنی نشان می‌دهد که این ماجرا تصادفی نبوده و با برنامه‌ریزی دقیق و سیاست‌بازانه‌ای شکل گرفته بوده است. فصل یازدهم این باب سرایش مرثیه مظلومیت بنی‌هاشم و درهم ریختن مکانت اجتماعی و سیاسی آنها و محروم ساختن علی-ع- و هر آنکه بدو عشق ورزیده است از حقوق سیاسی و اجتماعی است، خواندنی و غم‌آگین. نشان دادن ابعاد عظیم این اثر فحیم و خواندنی و تنبیه‌آفرین در این سطور نمی‌گنجد، این نگاه گذرا باید دست مریزادی به مؤلف و ناشر و سیاسی‌بر هوشمندی گرانقدر و بصیرت‌ارجمند مؤلف باشد. از خداوند برای مؤلف بزرگوار توفیق می‌طلبم و یادآوری می‌کنم که جستجوگران حقایق اسلامی و آشنایی با جاریهای صدر اسلام از خواندن این اثر ارجمند بی‌گمان بهره فراوان خواهند برد.

محمد علی غلامی

﴿الفتند فی ذکر علماء سمرقند﴾

نجم‌الدین عمر بن محمد بن احمد النسفی (المتوفی ۵۳۷). قدم له واعتنی به، نظر محمد فاریابی. (ریاض، مکتبه الکوثر، ۱۴۱۲/۱۹۹۱). ۶۲۲ص.

درباره سمرقند و شرح حال دانشمندان و محدثان و مزارهای آنها چندین کتاب نوشته شده است که کتاب حاضر پس از تألیف مفقود ابوسعید ادریسی و ابوالعباس مستغفری قدیمترین آنهاست. این کتاب برای نخستین بار از روی یک نسخه ناقص که در کتابخانه طرخان‌والده در استانبول نگهداری می‌شد؛ به طبع رسیده است. ترتیب کتاب الفبائی و حاوی شرح حال مختصر ۱۰۱۰ راوی با ذکر روایتی از هر یک از آنان همراه با اسانید آنها. نسخه موجود از حرف‌خا‌ء شروع و به حرف کاف ختم می‌شود و در حرف کاف تنها ترجمه نه راوی آمده که با مقایسه با تعداد روایان سایر حروف مشخص می‌شود که حرف کاف نسخه ناقص است. مؤلف برای جمع‌آوری این ترجمه‌ها از دو تألیف قبل از خود درباره سمرقند و نیز از کتابهای

صورت متفاوتی نقل شده است. از این نظر این کتاب می‌تواند در تصحیح ضبط این نامها در متون دیگر کمک مؤثری بکند. به عنوان نمونه می‌توان نام ابوشعیب صالح بن منصور بن حجاج صفانی (ص ۱۳۴) را ذکر کرد که در معجم البلدان یا قوت حموی (ذیل داررنج) هنگام نقل این نام، حجاج به جراح تغییر یافته است.

نسخه خطی کتاب، چنانکه از عکس دو صفحه از آن در مقدمه مصحح بر می‌آید، از نسخ جلی معرب است، اما تعدادی از نامهای اماکن در آن تصحیف شده است. مثلاً کبود نَجگت، شهری در دو فرسنگی سمرقند تقریباً همه جا- جز چهار الی پنج مورد- به صورت کبود بخکت ضبط شده است. تحلیل مواد تاریخی و جغرافیایی و زبان شناختی کتاب حاضر موضوع مقاله مشروحتری است که عنقریب به چاپ سپرده خواهد شد.

علی اشرف صادقی

فرهنگ آفتاب

عبدالمجید معادیخواه. (تهران، نشر ذره، ۱۳۷۲). ج ۱،

۶۴۸ص، وزیری.

فرهنگ آفتاب

فرهنگ تفصیلی نام‌سیمج نهر بلخ

عباس‌پور

نهج البلاغه، اثر جاودانه و گرانقدر فقیه، متکلم، متفکر و اندیشور بزرگ شیعی محمد بن ابی‌احمد، مشهور به سید رضی، از روزگار آغاز نشر قرن‌هاست که چنان آفتابی بر همگان می‌تابد؛ و در تاریخ‌نویسی خردمندانه انسان‌ها سینه‌سینه می‌گشاید و حرارت می‌بخشد. نهج البلاغه،

چشمه‌ی همواره جوشان و زلالی است که در گذرگاه سده‌ها انبوه، انبوه از تشنگان معرفت را سیراب کرده و بسان مشعلی فروزان در معبر تاریخ راهجویان را هدایت کرده است. نهج البلاغه از همان سده‌ی نشر مورد توجه عالمان و متفکران قرار گرفت و بسیاری بر آن شرح نوشتند و در آستانه‌ی آن قلم زدند که این مجموعه حجم عظیمی از میراث فرهنگی ما را تشکیل می‌دهد. در سده‌های اخیر به موازات گشوده شدن ابعاد تازه در پژوهشها، درباره‌ی نهج البلاغه نیز آثار ارزشمند و کارآمدی پدید آمد. کتابهای کلیدی، واژه‌نامه‌ها، و فهرستهای موضوعی از جمله آثاری است که برای سهل‌الوصول ساختن معارف

القند فی ذکر علماء سمرقند

تالیف

نجم الدین عمر بن محمد بن احمد النسفی

دیگری مانند تاریخ خراسان سلامی و تاریخ بخارای حافظ غنجا نیز استفاده کرده است. کتاب حاوی فواید بسیار است؛ از این قرار:

۱- تعدادی از ترجمه‌هایی که در اینجا آمده در هیچ یک از مآخذ موجود دیده نمی‌شود.

۲- در میان تراجم کتاب نام تعدادی از ولات

و قضات سمرقند و شهرهای اطراف آمده است. از آن جمله نام عمرو بن اعین خزاعی که از طرف ابو مسلم به عنوان والی سمرقند منصوب شد. (ص ۴۶۹) و نیز نام پادشاه سمرقند در عهد جاهلیت و صدر اسلام در صفحه ۲۹۲ و ۳۲۳.

۳- در ترجمه بعضی اشخاص که در منابع دیگر ذکر آنها آمده بعضی اطلاعات تاریخی و جز آن می‌دهد که در منابع دیگر نیست و یا به صورتهای متفاوتی آمده است.

مثلاً ذیل شرح حال ابو مسلم خراسانی ذکر می‌کند که با روی سمرقند را بعد از مقل بن زیاد بن صالح نخستین بار او بنا کرد.

۴- از آنجا که مؤلف اهل نسف (نخشب) بوده ترجمه تعدادی از روایات مربوط به نسف و کس (کش) را نیز در کتاب خود آورده است.

۵- نام تعدادی از قراء سمرقند و بخارا و نسف و نیز نام تعداد بسیاری از کوره‌ها و محله‌های سمرقند و نام مساجد و رباطها و خانقاههای آن در کتاب آمده که از نظر تحقیق در جغرافیای تاریخی ماوراءالنهر بسیار حائز اهمیت است. تعدادی از این نامها در سایر منابع ضبط نشده است.

۶- تعدادی از نامهای اشخاصی که در کتاب آمده از نامهای غیر معروف ایرانی است که خاص ماوراءالنهر بوده و مسلماً از زبان سعدی که تا قرن سوم و چهارم در ماوراءالنهر رواج داشته گرفته شده است. این مواد برای تحقیق در نامهای ایرانی بسیار اهمیت دارد.

۷- مقداری از سروده‌های مؤلف نجم الدین عمر نسفی در کتاب آمده که ظاهراً در جای دیگری ضبط نشده است. بیشتر این اشعار ترجمه احادیث منقول از راویان مورد ترجمه است که مؤلف هر حدیث را در دو بیت به عربی منظوم ساخته است.

۸- تعدادی از نامهایی که در این کتاب آمده در آثار بعدی به

ضمن تنظیم فیشها، سعی شده است در حد توان و امکان ترتیبی منطقی بین عناوین رعایت گردد. اهمیت این مرحله از پژوهش آنگاه روشتر خواهد شد که فراوانی عناوین فرعی - که گاهی شماره آن از صد عنوان نیز می‌گذرد - مورد توجه قرار گیرد.

به هر حال اینک این فرهنگ را در پیش روی داریم که برخی از ویژگیهای آن را یاد می‌کنم:

۱) پیداست که این مجموعه راهنمایی است به موضوعات نهج البلاغه یعنی بریده، بریده‌هایی از عبارتهای نهج البلاغه که با اجتهاد و برداشتهایی گونه‌گون در زمینه‌های مختلف فراهم آمده است. بدین سان آنچه مثلاً ذیل عنوان آزادی، شورا، بیعت، اخلاص، اصلاح و ... می‌آید اشاره‌ای است به آن موضوعات و موادی است فراهم آمده برای پژوهش در آن عناوین، تا پژوهشگری که به مثل آهنگ پژوهش درباره «اخلاص» را از نگاه نهج البلاغه دارد به آسانی به این مواد دست یابد.

۲) فرهنگ آفتاب فرهنگی فارسی است. از این روی در گزینش واژه‌ها، اصل بر فارسی بودن نهاده شده است؛ مگر آنکه برابر نهاده‌ی فارسی، در مقایسه با واژه‌ای عربی، به نارسایی دچار بوده باشد. واژه‌هایی مانند «تقوا»، «صبر»، «زهد» و ... را بار فرهنگی ویژه‌ای است که بسا هیچ واژه‌ای را چونان همتای آن نتوان یافت. مگر با چشم فروبستگی بس زبانباز. (مقدمه، ص ۱۱).

۳) بدین سان برخی از واژه‌ها نیازمند توضیح و شرح است که متن فرهنگ به لحاظ ساختار ویژه‌اش آن را بر نمی‌تابیده است. مؤلف وعده داده است که در پی افزوده‌ای آن گونه واژه‌ها را شرح کند. مانند: تقوا، حطام، زهد، صبر، قوم نمود، ثواب، کيفر و ... این گونه عناوین با حروف «ایرانیکی سیاه» برجسته شده است.

۴) برای پرهیز از فزونی حجم و هرچه بیشتر سهل الوصول ساختن فرهنگ، مؤلف از یکسوی سیستم ارجاع را با تمام دقت به کار بسته و به مثل ذیل «ارزش» از عناوین «فرازهای برجسته از ارزشهای عالی» از مجموع یازده عنوان آن هشت عنوان به مدخلهای دیگر ارجاع داده شده است. و از سوی دیگر، در حد امکان و توان عبارتها را تقطیع کرده است، مگر آنکه آوردن پیش و پس عبارت برای فهم مطلب ضروری می‌نموده است.

۵) گستردگی مدخلهای اصلی و فرعی نشانگر تلاش دیرپای و دقت ارجمند مؤلف در پیگیری عناوین است. به نمونه‌هایی اشاره کنم: از: آزمندی عامل زبونی و سقوط انسان، از ضامن بی تضمین، آزمندی زمینه کاهلی، آزمندی از آفات شناخت، آزمندی آفت قضاوت، آزمندی آفت سیاست و اقتصاد، آزمندی آفت مبارزه، آزمندی و فرصت طلبی در رابطه‌ای تنگاتنگ، آزمندی منافقان با

و حقایق نهفته در سطور زرین آن سامان یافته است. اوکین گام - گامی بسیار سودمند و کارآمد - را در این باره دانشمند فقید دکتر سید جواد مصطفوی برگرفت. وی در اثر ارجمندش - الکاشف لالفاظ نهج البلاغه فی شروحه - جای جمله‌ها و کلمه‌های نهج البلاغه در متن آن و شرحهای متعدد را نشان داد. اثر وی هنوز نیز بسی مورد استفاده است و راهنمای سودمندی برای پژوهشیان معارف علوی. سالها پس از آن المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه به همت آقایان محمد دشتی و سید محمد کاظم محمدی نشر یافت، با ویژه گیها و برجستگیهای جالبی که در مقامی دیگر به اجمال از آن سخن گفته ام. (مجله حوزه، شماره ۱۳، ص ۱۶۵؛ آینه پژوهش شماره ۶، ص ۸۲). در زمینه فهرستهای موضوعی از کتابهای ذیل می‌توان یاد کرد: ۱) الدلیل علی موضوعات نهج البلاغه از علی انصاریان، ۲) الهادی الی موضوعات نهج البلاغه از علی مشکینی اردبیلی، ۳) تصنیف نهج البلاغه از لیبیب بیضون، ۴) فهارس نهج البلاغه از صبحی صالح (چاپ شده در پایان نهج البلاغه به تحقیق و تصحیح وی)، ۵) فهرست موضوعی نهج البلاغه از محمد جعفر امامی و محمدرضا آشتیانی، و ۶). المعجم الموضوعی.

درباره چگونگی این فهرستها نیز به اختصار سخن گفته ام (مجله حوزه، شماره یاد شده). اکنون کتاب مورد گفتگو را پیش رو داریم با عنوان «فرهنگ آفتاب، فرهنگ تفصیلی مفاهیم نهج البلاغه که بی گمان گسترده‌ترین و جامعترین فرهنگ موضوعی است که تاکنون برای ارائه موضوعات این کتاب ارجمند تدوین یافته است.

فهرستهای موضوعی یاد شده غالباً به مدلول ظاهر جمله‌ها تکیه کرده و بر این اساس موضوعات را استخراج و تدوین کرده‌اند. در فرهنگ مورد گفتگو با دقت در معانی و مضامین و توجه به آهنگ کلی خطبه و ... و مقدمات دیگر عناوین ردیابی و استخراج شده و بدین سان موضوعات ارائه شده بسی فراتر از آنچه در آثار مشابهنه آمده دامن گسترده است. در مقاله یاد شده در توضیح چگونگی نمایه‌سازی عناوین بر اساس یادداشتی که مؤلف (در آن هنگام این فرهنگ مراحل نهایی پژوهش را می‌پیمود) در اختیار نهاده بود آمده است: فرهنگ نهج البلاغه در سه مرحله کار شده است: ۱) مطالعه دقیق متن نهج البلاغه و نمایه‌سازی آن. مثلاً «الحمد لله الذی لا یبلغ ...» در: ثنا، حمد، خداشناسی، عجز سخنوران از ستایش حق، یادداشت می‌شود، و تمامی عناوین اصلی و فرعی در دفاتری به عنوان دفاتر مادر ثبت می‌گردد. ۲) تمام این عناوین درهم، تفکیک و به فیشهایی بر حسب حروف الفبا تجزیه گردیده است، که تاکنون تعداد آن تقریباً به یکصد هزار رسیده است. ۳) در این مرحله

نقاب تزویر و ارستگی تقوا پیشگان از آز.

استعداد: آب، کانون استعداد‌های متنوع، نقش آب و هوا در شکوفایی استعدادها، خاک حاوی استعدادی شگرف، استعداد‌های متضاد انسان و منشأ آن، بسیج استعداد الهی انسان در فلسفه بعثت، رسوبات فرهنگ جاهلی، استعدادی خطرناک، اسلام میدان وسیع رقابت استعدادها، نقش تقوی در شکوفایی استعداد‌های عالی، جامعه مهدی (عج) بهار شکوفایی استعدادها، نقش رژیم و محیط‌های فاسد در کور کردن استعدادها، نقش سختی‌ها در شکوفایی استعداد‌های جامعه، ارزیابی دقیق استعدادها از ارکان مدیریت، پاکسازی اداری شرط بروز استعداد‌های انقلاب، ارزیابی درست استعداد جامعه شرط رهبری، لزوم ارزیابی و طبقه‌بندی استعدادها در آموزش علوم و توجه به ارزش استعداد نوجوان در سیاست آموزشی.

در ذیل همه این عناوین بخشهایی از خطبه‌ها، نامه‌ها و یا کلمات قصار مولی امیرالمؤمنین -ع- آمده است، بدین ترتیب خواننده در خواهد یافت که در ذیل واژه‌هایی چون تقوی، ارزش، صبر، اخلاص، انقلاب، انحطاط و سقوط با چه انبوهی از عناوین مفاهیم روبرو خواهد بود. اکنون با دست مریزاد به جناب مؤلف و آرزوی توفیق برای اتمام این فرهنگ ارجمند نکاتی را یادآوری می‌کنم:

چنانکه گفتم استخراج عناوین فراتر از ظهور بسیط الفاظ است، بدین سان به پندارم گاهی دلالت جمله‌ها و سطور آورده شده از نهج البلاغه با عنوان روشن نیست و نیازمند توضیح است. مانند عنوان ۳-۴ در ذیل انحطاط و سقوط. و نیز چنین است برخی از عناوین ذیل «انتظار» که روشن نیست اولاً آیا مراد از «انتظار» مفهوم مشهور و معروف آن است یا مفهوم لغوی و مطلق آن. در صورت اولی دلالت برخی محلّ تأمل است و در صورت دومی آمیختگی ناهنجاری در مطالب صورت گرفته است. و گاهی عنوان کوچک با عنوان اصلی همخوانی ندارد. در ذیل «اصلاح» عنوان پنجم «پیرامون عوامل و موانع راه مصلحان» و شماره اول آن «اصلاح‌پذیری مرز انسانیت» با عنوان اصلی هم خوانی ندارد. و در ذیل همین عنوان (۴-۵) ضمن آنکه زیباست گویایی لازم را ندارد؛ افزون بر این مطالب ذیل آن طولانی شده است که می‌شد در ذیل عناوین دیگر آورد. در ذیل «اصلاح» پاراگراف اول زاید است و نقشی در فهم عبارتی که برای عنوان آمده است ندارد.

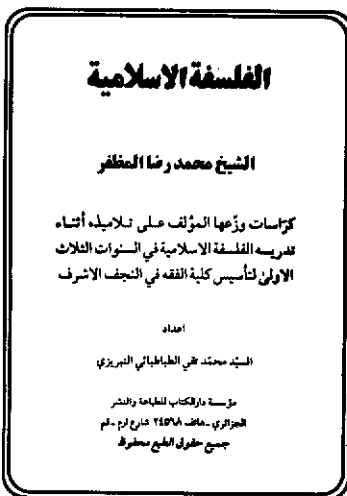
این نگاه گذرا به یمن نشر اولین جلد از این مجموعه قلمی گردید. نقد و تحلیل و ارزیابی نهایی نباید گفته آید در مقامی دیگر. به هر حال فرهنگ آفتاب فرهنگی است گسترده، شامل، دقیق و بسیار

سودمند و کارآمد. مؤلف مقدمه کوتاهی نیز نگاشته و در ضمن آن چگونگی این فرهنگ را یاد کرده است. اما این مقدمه در خور اثری به این سترگی نیست. لازم بود محقق محترم در این مقدمه بتفصیل از پیشینه تحقیق، شیوه تحقیق، چگونگی طبقه‌بندی داده‌ها و بهره‌گیری از متن نهج البلاغه سخن می‌گفت. حروفچینی، چاپ، صفحه‌آرایی، تجلید و نمای ظاهری کتاب در نهایت زیبایی و چشم‌نوازی و دقت و استواری است. باید به ناشر و همت و رزان تولید کتاب به پاس عرضه‌ای بدین ارجمندی و نفاست، آفرین گفت.

محمد علی غلامی

﴿الفلسفة الإسلامية﴾

(کراسات و زعها المؤلف علی تلامیذه اثناء تدریسه الفلسفة الإسلامية فی السنوات الثلاث الأولى لتأسيس كلية الفقه فی النجف الاشرف)



الشیخ محمد رضا المظفر، اعداد السيد محمد تقی الطباطبایی التبریزی، مؤسسة دارالکتاب الجزائری-قم ۱۴۱۳، الطبعة الأولى، ۱۵۳ صفحه- وزیري

تدوین کتب علمی اسلامی به شیوه جدید و به زبان روز از مهمترین نیازهای جهان اسلام است. بسیاری از آراء قوی

علمای اسلامی در فلسفه و عرفان و فقه و اصول و حدیث و تفسیر به علت اینکه فاقد اسلوب و نظم روز آمد هستند، علیرغم اعتبار و اتقان در لایبای کتب مدفون مانده‌اند. کتب درسی حوزه‌های علمیه علاوه بر نکته یاد شده می‌باید مبتنی بر اسلوبهای جدید تعلیم و تربیت نگاشته شود. پیچیدگی و اغلاق متن، عدم دسته‌بندی مطالب، ایراد مطالب استطرادی، عدم رعایت تقدّم و تاخّرهای تعلیمی، عدم هماهنگی طول مطالب مختلف یک کتاب، عدم ارتباط مطالب با کتب قبلی و بعدی و گاهی کم‌فایده‌گی مطالب و مبتلا به نبودن آنها ایراد بسیاری از کتب درسی رایج حوزه‌های علمیه است.

در نیم قرن اخیر در بین علمای مصلح، جمعی نیز به تجدید بنای علمی حوزه‌ها اهتمام کرده‌اند و تدوین کتب روزآمد، در عین

آوریم، عمق کار استاد مظفر در حوزه نجف را بیشتر درک خواهیم کرد. برای آشنایی با زندگانی و آراء استاد مظفر می‌توان به کتب ذیل مراجعه کرد: ۱- منتدی النشر، اعماله و آثاره- استاد مظفر؛ هکذا عرفتهم، جعفر الخلیل؛ نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، شیخ آغا بزرگ طهرانی؛ و مقدمه العقاید الامامیه مظفر، محمد مهدی آصفی.

دو جریان اصلاحی در حوزه‌های نجف و قم نسبتاً هم زمان و بدون اطلاع از هم پیش می‌رفتند: در قم، علامه طباطبایی و ادامه‌اش توسط مرحوم مطهری در تهران، و در نجف استاد مظفر و بعدها شهید صدر.

علامه طباطبایی از حدود ۱۳۲۰ تدریس اصول فلسفه و روش رئالیسم را آغاز کرد و در سال ۱۳۹۰ ق بدایة الحکمة و در ۱۳۹۵ نهایة الحکمة را به عنوان متن درسی ابتدائی و نهایی فلسفه تدوین کرد.

اخیراً متن دروس فلسفه اسلامی استاد مظفر در دانشکده ایشان در نجف اشرف به همت یکی از شاگردان آن مرحوم در قم منتشر شده است. این کتاب شامل درسهای چهار ساله ایشان ۱۹۶۲-۱۹۵۸ می‌باشد. مظفر در فلسفه شاگرد طراز اول مرحوم محمد غروی اصفهانی (م ۱۳۶۱) است. مظفر خود سالها پیش منظومه حکمت مرحوم اصفهانی بنام تحفه الحکیم را منتشر کرده است. منظومه‌ای که قابلیت جایگزینی منظومه سبزواری را دارد. مظفر پیشتر در "احلام الیقظه" نیز به آراء صدر المتألهین پرداخته است و نشان داده است که آراء آخوند را پذیرفته است.

استادی مظفر در ساده کردن مطالب دشوار و دیر یاب و تنظیم روز آمد مطالب علمی است. کتاب جدید مظفر مانند کتب گذشته وی مشحون از هنر اوست. او در عین حفظ اتقان علمی، مطالب دشوار فلسفی را بدقت تحریر کرده که از حشو و زائد بدور است. ترتیب مطالب منطقی است و افسوس که فرصت تکمیل و اتمام مطالب را نداشته است.

کتاب از چهار بخش تکمیل شده است: مباحث وجود، مباحث وجود ذهنی، مباحث علت و معلول و فلسفه و علم کلام. در بخش اول تعریف وجود، اشتراك وجود، زیاده‌الوجود علی‌الماهیه، اصالة الوجود، بحث عدم و اعاده معدوم عناوین اصلی بحث است.

در بخش دوم به مباحث ادله اثبات و انکار وجود ذهنی، اقسام جعل و تقسیم وجود به محمولی و رابط و مواد قضایا می‌پردازد. در بخش سوم در مباحث علت و معلول، قول به صدقه، سبب طبیعی، تسلسل در علل و برهان تطبیق را مطرح می‌کند. و

حفظ غنا، عمق و اصالت مطالب را وجهه نظر خود قرار داده‌اند. از آنجا که کتب درسی حوزه‌ها قدمتی چند قرنه دارند و غالباً به واسطه جلال شان نویسنده و نیز اتقان علمی کتاب در زمان نگارش از نوعی قداست برخوردار شده‌اند، تغییر و جایگزینی آنها غالباً با مقاومت مواجه می‌شود. کتبی که می‌خواهد جایگزین کتب علمی حوزه‌ها از قبیل حاشیه و معالم و شرح لمعه و رسائل و مکاسب و کفایه و منظومه و اشارات و اسفار بشود می‌باید از قوت‌های فراوانی برخوردار باشد تا افتخار کتاب درسی شدن را بیابد.

در سالیان اخیر تنها سه نفر بوده‌اند که توانسته‌اند از چنین موقعیتی بهره‌مند شده و تالیفاتشان کتاب درسی عمومی حوزه‌ها واقع شود: شیخ محمد رضا مظفر (م ۱۳۸۳) سید محمد حسین طباطبایی (م ۱۴۰۸) سید محمد باقر صدر (م ۱۴۰۱). المنطق، اصول الفقه، عقاید الامامیه از استاد مظفر به جای حاشیه ملا عبدالله، قوانین و باب حادی عشر، بدایة الحکمة و نهایة الحکمة از علامه طباطبایی به جای منظومه سبزواری و دروس فی علم الاصول از شهید صدر به عنوان یک دوره کامل اصول فقه در مرحله سطح حوزه‌ها.

استاد محمد رضا مظفر (۱۳۸۳-۱۳۲۳) یکی از احیایگران حوزه‌های علمیه است. او با بهره‌وری از محضر بزرگترین اساتید زمان یعنی مرحوم آیت الله میرزا محمد حسین نائینی و مرحوم آیت الله محمد حسین غروی اصفهانی به ملکه اجتهاد دست یافت و از سوی دیگر با بصیرت ویژه و آشنایی با علوم جدید و نیازهای روز جوامع اسلامی نیاز نظمی نوین در حوزه نجف را احساس کرد و با همفکرانش «جمعیه منتدی النشر» را در (۱۹۵۳ م) بنیان گذاشت. چندی بعد او با فدا کردن موقعیت سنتی حوزوی به تاسیس اولین دانشکده تخصصی فقهی در نجف اشرف همت گمارد. در این دانشکده دروس سنتی حوزه‌ها به روش جدید تدریس می‌شد. به علاوه دانشجویان با دروس جدید مرتبط با دین نیز آشنا می‌شدند. کتب مظفر حاصل تدریس متمادی او در این مرکز علمی است. عمق و اتقان و ابتکار کتاب اصول فقه مظفر که چکیده آراء دو استادش نائینی و غروی اصفهانی است، در کنار نوآوریهای علمی ویژه مظفر، کتابی ماندنی در انداخته است. مبحث ملازمات عقلیه در اصول فقه از قوی‌ترین و جدیدترین آراء مظفر به شمار می‌آیند.

روانی بیان و احتراز از تعقید و پیچیدگیهای رایج و استفاده از دستاوردهای جدید علمی از نکات بارز المنطق اوست. مقایسه عقائد الامامیه با کتب رایج کلامی حکایت از زحمات طاقتفرسای این عالم خدم است. اگر شرایط مادی و معنوی که استاد مطهری را به ترك حوزه قم و هجرت به تهران و محافل علمی آن کشانید را به یاد

عنوان **نصوص الاقتصاد الإسلامي**، کتاباً و سنه و فقهاً در پیش روی داریم. این مجموعه در پانزده جلد با این عناوین نشر می یابد: الزکاة، الخمس و الانفال، الوقوف و الصدقات والهبات، احياء الموات و الاراضي، المزارعه والمساقات، الاموال والمكاسب، البيع، الاجاره والجماله، المضاربه والشركه والشقعه، الرهن والدين، الصلح والضمان والحواله والكفاله والوكاله، الحجر والفلس والوصايا، الموارث، الغصب و السرقة واللقطه، احكام القضاء في النزاعات الاقتصادية. نصوص ارائه شده، چنانکه از نام مجموعه پیداست، بر اساس آیات، روایات و دیدگاههای فقیهان است. در تفسیر آیات از دو متن معتبر **کنز العرفان في تفسير القرآن** فقیه شیعی مقداد بن عبدالله سیوری (م ۸۲۶) و **احکام القرآن** فقیه سنی ابی بکر الجصاص از پیشوایان کهن فقهی (م ۳۷۰) بهره گرفته اند. و اگر در این دو مقصود را نیافته اند به تفسیر الثبیتان شیخ طوسی و الجامع لأحكام القرآن قرطبی مراجعه کرده اند. روایات شیعی را بر اساس وسائل الشیعه شیخ حرّ عاملی و مستدرک الوسائل میرزا حسین نوری آورده اند و روایات عامه را از **کنز العمال** علاء الدین متقی هندی گرفته اند که جامع روایات مجموعه های حدیثی عامه است با حذف اسناد و چینش فقیایی.

در گزارش آراء فقیهان کوشیده اند تا دیدگاههای جامعی بر پایه تحولات فقهی ارائه دهند. از این روی نصوص فقهی شیعی را به چهار مرحله تقسیم کرده و از هر مرحله آراء جهره بر جسته آن را گزارش کرده اند؛ بدین سان:

- ۱) از آغاز عصر غیبت تا محقق حلی (م ۶۷۲).
 - ۲) فقیهان متأخر از زمان محقق حلی تا شهید ثانی (م ۹۶۵).
 - ۳) فقیهان پس از دوره متأخر از شهید ثانی تا مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی (م ۱۳۷۵).
 - ۴) فقیهان معاصر پس از مرحوم اصفهانی تاکنون.
- متون مورد استفاده دیگر نخله های فقهی بدین گونه است: امّ شافعی (م ۲۰۴)، **بداية المجتهد ابن رشد مالکی**، عمدة القاری شیخ احمد عینی حنفی (م ۸۵۵)، مغنی ابن قدامه حنبلی (م ۶۲۰)، محلی ابن حزم ظاهری (م ۴۵۶) **البحر الزخار** احمد بن یحیی بن المرزبانی زیدی (م ۸۴۰) و **سبیل السلام** محمد بن اسماعیل صنعانی زیدی. (م ۱۱۸۲).

بسنده کردن به متون مشخصی از مذاهب فقهی یاد شده بی گمان بر اساس عدم تحوّل فقهی در آن جریانهاست. اما گفتنی است که در سده اخیر در مسائل فقهی آنان دیگر سانیها و تحولاتی، بر ویژه در مسائل فقهی و حقوقی، دیده می شود که گویا توجه بدانها سودمند باشد. این مجلد مباحث مربوط به زکاة را به همراه دارد در

بالاخره در بخش چهارم مقایسه کلام و فلسفه و رابطه فلسفه و دین، بحث جبر و تفویض، مراحل بحث الهی، صفات واجب تعالی و نیز شرح کلمات امیرالمؤمنین (ع) در توحید از مباحث اصلی کتاب او به شمار می روند.

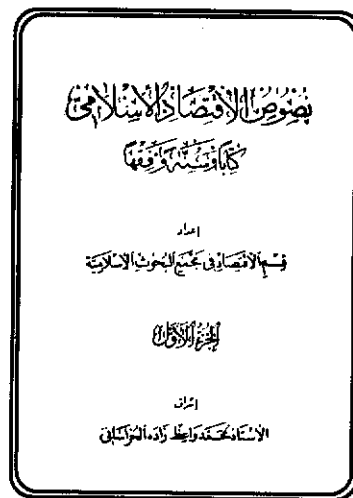
الفلسفه الاسلامیه مظفر از سوی قابل مقایسه با **بداية الحكمة** علامه طباطبایی و از سوی دیگر قابل قیاس با شرح مختصر منظومه استاد مطهری است. شایسته است این کتاب به فارسی ترجمه شود و به عنوان یک متن معتبر فلسفه اسلامی در اختیار پژوهشگران قرار گیرد.

کتاب فاقد فهرس فنی است. سعی گردآورنده محترم در احياء تراث فلسفی استاد مظفر مشکور باد. امیدواریم صاحب همتی احلام یلقظه، مقالات فلسفی مظفر در مجلات علمی العرفان، الدلیل و ... بویژه درباره فلسفه ابن سینا و نیز مقدمات او بر چاپ جدید کتب از قبیل اسفار و جامع السعادات و جواهر و تعلیقه مکاسب اصفهانی و تحفة الحکیم و ... را در مجموعه ای متناسب با شأن این عالم مجلّد منتشر سازد.

محسن کدیور

نصوص الاقتصاد الإسلامي. کتاباً و سنه و فقهاً

(مشهد، اشرف محمد واعظ زاده خراسانی. بنیاد پژوهشهای اسلامی، بخش اقتصاد، ۱۴۱۳). ج ۱، ۵۱۸ ص، وزیری.



برای دست یافتن به دیدگاهی استوار و نتیجه ای درست در مباحث اسلامی اوکین گام آگاهی از تمام نصوصی است که به گونه ای با آن بحث در ارتباط است. بدون کند و کاو در نصوص دینی و متون کهن فرهنگ اسلامی، دیدگاهی را به نام دین و اسلام عرضه کردن، محققانه و درست

نمی نماید. در این میان مسائلی چون اقتصاد، سیاست، تربیت و ... از حساسیت و اهمیت ویژه ای برخوردار است. بخش پژوهشهای اقتصادی بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس در ضمن تلاشهای گونه گون به تحقیق، تدوین و نشر نصوص اقتصاد اسلامی همت گمارده است که اکنون جلد اول از مجموعه پانزده جلدی آن را با

چهار مبحث و با این عناوین: زکات در قرآن، زکات در احادیث و اخبار، زکات در دیدگاه فقیهان شیعه و زکات در آراء فقیهان اهل سنت و زیدیه. فهرست دقیق موضوعات نیز در پایان آمده است، با گزارش چگونگی منابع تحقیق. نشر این مجموعه بی‌گمان در بازنگری مسائل اقتصادی و تحقیق مباحث مالی اسلام بسیار سودمند و کارآمد خواهد بود. توفیق نشر مجلدات دیگر را از خداوند خواهانیم.

محمدعلی غلامی

میخانه آرزو

شرح احوال، بررسی آثار و برگزیده اشعار غالب دهلوی. محمدحسن حائری. (تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۱).

شادم به خیالست که زتابم به در آورد
از کشمکش حسرت خوابم به در آورد
فریاد که شوق تو به کاشانه زد آتش
وانگاه پی بردن آیم به در آورد

غالب (م ۱۲۸۵ ق) از

پارسیگویان نامی هند، و می توان گفت آخرین شاعر بزرگ شبه قاره هند در سبک قدیم است. بعد از او دوران اقبال لاهوری، که متأثر از اندیشه و ادبیات غرب است، فرا می‌رسد. غالب مردی ادیب و خوشفکر بود و در دورانی قریحه اش به بار نشست که استعمار بر هند تسلط یافته بود، و او تصریح به این

میخانه آرزو

شرح احوال، بررسی آثار و برگزیده اشعار غالب دهلوی

محمدحسن حائری

معنا کرده و از زبان انسان استعمار زده می‌گوید:

با صلیبم فتاده کار به دهر
علم کاویمان نمی‌خواهم
خوبه بیداد کرده‌ام غالب
عید نوشیروان نمی‌خواهم
غالب گرچه مثل اکثر مردم بالاخره با حاکمان جدید (ماموران نایب السلطنه انگلیس در هند) به نوعی مماشات رسید، اما همو بیانگر آگاهی سیاسی و گرایش ضد بیگانه‌یک مسلمان شرقی و یک شیعی مبارز است:

به جنگ باج ستانان شاخساری را
تهی قفس زد در گلستان بگردانیم

به صلح بالفشانان صبحگاهی را
زشاخسار سوی آشیان بگردانیم
زحیدریم من و تو، ز ما عجب نبود
که آفتاب سوی خاوران بگردانیم
بیت اخیر اشاره است به معجزه «ردّ شمس» منسوب به حضرت علی(ع) که گویند چون نماز حضرت به سبب اشتغال به جهاد دیر شده بود، آفتاب برگشت تا حضرت بتواند نماز بموقع بگذارد.

غالب انتقاد شدید از اوضاع دارد و بر غفلت مردم دلش می‌سوزد، همچنانکه به خواب رفتن نگهبانان موظف را نمی‌بخشاید:

هوا مخالف و شب تار و بحر طوفان خیز
گسسته لنگر کشتی و ناخدا خفته ست
غمت به شهر شیبیخون زنان به بنگه خلق
عسس به خانه و شر در حرمرسا خفته ست
دلیم به سبحة و سجاده و ردا لرزد
که دزد مرحله بیدار و پارسا خفته ست
این همان غصه‌ای است که بعدها امثال سید جمال الدین و محمد عبده مطرح کردند: بی‌توجهی مقدس مآبان به واقعیات زمان و هجوم استعمار.

غالب با آنکه دلشکسته است، نومید نیست. در شعرش تب و تاب رهایی جویی و لحنی حماسی هست که همراه است با یادآوری موارث ایران قدیم. آری هند کمتر مورد توجه غالب است تا ایران و اسلام و تشیع. اما ایران:

بود غالب عند لبیبی از گلستان عجم
من ز غفلت طوطی هندوستان نامیدمش

غالب زهند نیست نوائی که می‌کشیم
آری ز اصفهان و هرات و قمیم ما

و بدین گونه از ایران قدیم یاد می‌کند:

سوخت آتشکده ز آتش نفسم بخشیدند
ریخت بتخانه زناقوس فغانم دادند
گوهر از تاج گسستند و به دانش بستند
هر چه بردند به پیدا به نهانم دادند
هر چه که جزیه ز گیران می‌تاب آوردند
به شب جمعه ماه رمضانم دادند
می‌خواهد بگوید: ایرانی از فنای آتشکده و هندو از فرو ریختن بتخانه مجموعاً ضرری ندیده، هرچه از شکوه ظاهرش کم شده به معنویتش افزوده، و موارث ایران و هند قدیم، عرفان دوره اسلامی شده است.

است. تعلیقاتی هم در پایان مجموعه آمده که مفید است؛ الا اینکه خالی از لغزشهای جزئی نیست. مثلاً می نویسد: «نوشاد: شهری حسن خیز». حال آنکه «نوشاد» بتکده ای بوده است نزدیک بلخ. یا در معنای پنگان می نویسد: «فنگان»: «این درست است، ولی کامل نیست و باید اشاره شود که پنگان ظرفی بوده است که در تهش سوراخ کوچکی داشته و برای سنجیدن نوبت آب (هنگام آب) آن را روی آب حوضچه می انداخته اند که هر وقت پر شد، معلوم شود. در واقع نوعی ساعت آبی بوده است و از شعر مورد استشهاد هم معلوم می شود (ص ۱۷۰):

طعننه بر دلّقی می آلودم مزن
نیست ساغر، می به پنگان می زنم

با توجه به اینکه ته پنگان سوراخ کوچکی دارد، معنای شعر به دست می آید.

همچنین به بعضی از اغلاط چاپی و غیر چاپی اشاره می کنیم: گدیه (۱۷۴ و ۷۰)، که «گدیه» صحیح است که معرب است و البته در اصل از «گدائی» فارسی گرفته شده است. همچنین در شعر زیر کلمه «اغراض» غلط و «اعراض» صحیح است.

نازند به اغراض گروهی که زکوری
از فربهی تن نشناسند ورم را

که مضمون معروفی است، و مسلم است که ورم برای بدن از اغراض است. همچنین است در صفحه ۱۳۹ (سه سطر به آخر) «نشاه» غلط و «نشوه» صحیح است. و نیز در صفحه ۵۸ (چهار سطر به آخر) «دی» غلط و «وی» صحیح است.

درباره بعضی مصطلحات هم خوب بود توضیحی برای خواننده معمولی می دادند تا کارش آسان شود و سرگردان نشود. مثلاً:

زبحث غیب و شهادت چو بگذری دانی
که عین ثابتۀ کوثر است ساغر من (۶۹)

جای دیگر هم گفته است: «هر سنگ، عین ثابتۀ آگینه ای ...». آشنائی غالب با مقولات نظری سطح بالا در عرفان و فلسفه از شعر زیر هم معلوم است:

همه محسوس بود ایند و عالم معقول
غالب این زمزمه آواز نخواهد، خاموش

در پایان زحمت مؤلف کتاب را ارج می نهیم و با چند بیت پر شور از غالب گفتار را به پایان می بریم:

ای که گفتم ندهی داد دل، آری ندهی
تا چون من دل به مغان شیوه نگاری ندهی
چشمه نوش همانا نترارد زدلی
کش نگیری و در اندیشه فشاری ندهی
ماه در خورشید در این دایره بیکار نیند
تو که باشی که به خود زحمت کاری ندهی

اما تشیع. میرزا اسدالله که سید هم بوده به سیادت و شیعه گیری خود می نازد و حتی غلو می نماید:

غالب نام آورم نام و نشانم مپرس
هم اسداللهم و هم اسداللهی ام
منصور فرقه اسداللهیان منم
آوازه انسا اسدالله در افکنم
بر لب یا علی سرا باده روانه کرده ایم
مشرب حق گزیده ایم، عیش مغانه کرده ایم
غالب خود را متعلق به اسلام و هندوئیسم می داند:
من آن نیم که زمرگم جهان به هم نخورد
فغان زاهد و فریاد برهمن یاد آر

و این همان تساهل و تسامح مطلوب عرفانی است که بزرگان ما داشته اند.

در دوست سال اخیر گرایش به مواریث ایران قدیم (حتی در شکل مجعول دساتیری اش) مورد توجه روشنفکران بوده است و غالب هم از آن جمله مستثنا نیست؛ الا اینکه روح اسلامی بر او غلبه دارد. او عارفی است اسلامی، رندیست ایرانی و فرزانه ای هندی:

خوش بود فارغ زبند کفر و ایمان زیستن
حیف کافر مُردن و آوخ مسلمان زیستن

زندهار از آن قوم نباشی که فریبند
حق را به سجودی و نبی را به درودی

با من میاویز ای پندر فرزند آرز را نگر
کانکس که شد صاحب نظر دین بزرگان خوش نکردا

برآر از بزم بحث ای جذبه توحید غالب را
که توك ساده ما با فقیهان بر نمی آید

انتقادی و روشن بینی و روحیه ضد استعماری غالب او را مورد توجه خاص اقبال لاهوری قرار داده است (رک: کلیات اشعار فارسی مولانا اقبال لاهوری، با مقدمه احمد سروش ص ۹۸ و ۲۶۸ و ۳۲۶ و ۳۳۱).

اما در مورد این کتاب. می شود گفت نخستین مجموعه مستقلی است که در ایران از غالب منتشر می شود. البته دیوان غالب (چاپ هند) در دست اهل تحقیق بوده است و منتخبات دقیق و سنجیده ای نیز در کتاب ارمغان پاک خواجه عبدالحمید عرفانی سالها پیش از شاعران فارسی زبان هند (و مدفون در هند) منتشر گردید. باید دانست که عنوان «میخانه آرزو» هم از خود شاعر است. (ص ۱۴، مقدمه).

در این برگزیده از مثنویات شاعر هم نقل شده که برای خواننده متوسط الحال که دسترس به کتابهای چاپ هند قدیم ندارد مغتنم

آموخت و آنگاه راهی الازهر شد و در آن جا با سید جمال‌الدین اسدآبادی آشنا و میان آن دو دوستی پایداری پدید آمد که آثار و پیامدهای آن معروف همگان است.

در این جا مسائل مربوط به زندگی شخصی و خصوصی شیخ به پایان می‌رسد و او به بیان دیدگاهها و نظریات زنده‌ای درباره حکومت خاندان محمد علی در مصر و خدیوان معاصرش می‌پردازد. از خواندن این بخش در می‌یابیم که شیخ منتقد سیاستهای محمد علی است، زیرا او به نظامی کردن جامعه‌اش روی آورد و مسائل تربیتی و فکری و اندیشه و ایده عدالت را رها کرد: «آیا محمد علی درباره ایجاد نظام تربیتی بر اساس دین و ادب اندیشید؟ و اساساً هرگز به ذهنش خطور کرد که برای توده مردم، مرکزی برای بیان آرائشان در پایتخت و یا مراکز استانها فراهم کند؟ و آیا راهی در پیش گرفت تا حکومتی قانونی و منظم به وجود آورد تا در آن دین تقویت و عدالت استوار گردد؟»

شیخ پس از اشاره‌ای گذرا به نقش سید جمال در ایجاد تحرك فکری- سیاسی در مصر و ارزیابی مثبت آن، به مداخله بیگانگان در دوران اسماعیل پاشا و ایجاد کمیسیون مشترك مالی و تعیین وزیری انگلیسی به عنوان وزیر دارایی مصر و وزیری فرانسوی به عنوان وزیر کار، می‌پردازد و نقش مجلس شورای نمایندگان ناهمگن و متضاد المنافع را باز می‌نمایاند. در این مجلس نمایندگان و مدافعان دولتهای بیگانه، هوا خواهان اسماعیل، خدیو مصر و نمایندگان وطنپرست، در برابر یکدیگر صف بسته‌اند. اسماعیل پاشا در برابر مردمش چون درنده‌ای خونخوار و در برابر بیگانگان گوسفندی آرام بود؛ یعنی وضعیتی شبیه به حاکمان امروز در بسیاری از کشورها و پس از مدتی همین بیگانگان او را ناچار به کناره‌گیری کردند.

این کتاب به دوران توفیق پاشا، خدیو مصر، عنایت بیشتری دارد، زیرا این دوران پر التهاب بود که به اشغال مصر توسط انگلستان و تبعید وطنپرستان از جمله احمد عربی پاشا و شیخ محمد عبده منجر گشت. توفیق، حکومت خود را به درخواست سفیران دولتهای بیگانه با تبعید سید جمال آغازید. هر چند که توفیق به سید ارادت داشت و به او می‌گفت: «تو کعبه آمال من در مصری»، لیکن توفیق به هر قیمتی در پی زمامداری و حفظ آن بود و: «دوست داشت سلطان باشد اگر چه سلطان ویرانه‌ها و مردمانی خوار». این نیز شبیه به وضعیتی است که امروزه شاهد آن هستیم.

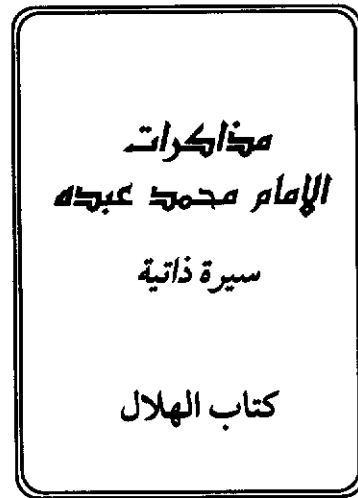
ریاض پاشا در دوران توفیق، عهده‌دار مقام نخست‌وزیری شد و کوشید فشار مالیاتی وارد بر دهقانان را بکاهد و از شدت ستمی که به آنان می‌رفت کم کند و به اصلاحاتی دست زد و روزنامه «الوقائع المصریه» را به شیخ سپرد، اما مداخله‌های بیگانگان همچنان با شدت و قدرت ادامه یافت. شیخ ریاض پاشا را می‌ستاید ولی وزیر جنگ (ناظر الجهادیه) او، عثمان رفقی پاشا، را به سختی می‌نکوهد و او را به گرایش به افسران چرکسی و بی‌توجهی به دیگر افسران

پای را خضر قدم سنجی کوئی نشوی
دوش را قدر گرانسنگی باری ندهی
آخر کار نه پیداست که در تن فسرد
کفِ خونی که بدان زینت داری ندهی

علیرضا ذکاوتی قراگوزلو

✦ خاطرات محمد عبده: زندگینامه خود نوشت ✦

از سلسله کتاب «الهلل» در قاهره، کتابی به نام خاطرات امام محمد عبده، زندگینامه خود نوشت با تحقیق و تعلیق طاهر طنجاجی منتشر شده است. از پاره‌ای اشارات وارد در متن به دست می‌آید که طرح این کتاب در دهه شصت صورت عمل به خود گرفته است. محقق، خاطرات خود نوشت شیخ را در این کتاب



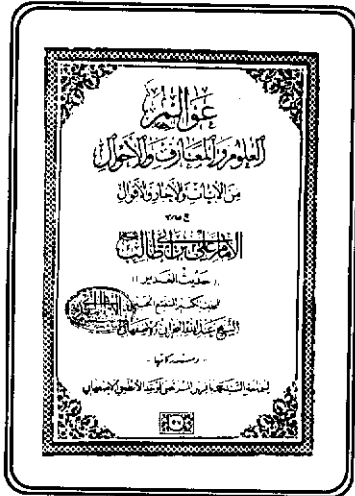
گردآورده و آنچه در باب زندگی شیخ، شاگردش، محمد رشید رضا، نوشته به آن افزوده است. این کتاب به بررسی دوران اسماعیل پاشا و خدیو پاشا خدیوان مصر می‌پردازد و با بیان انقلاب احمد عربی پاشا و اشغال مصر به وسیله انگلستان پایان می‌یابد.

شیخ در آغاز خاطراتش از انگیزه تالیف آن سخن می‌گوید. او تا مدت‌ها، از پرداختن به این کار خودداری می‌کرده است تا آنکه با یکی از غربیها- شاید شرق شناس بلنت- برخورد می‌کند و این یک او را بدین کار تشویق کرده دلایل موجهی برایش ارائه می‌نماید: «متوجه شدم که نپذیرفتن نظرش افراط در کاهلی و بی‌احترامی به نظری بود که به احتمال قوی دور از ریب و ریا و صرفاً به امید سودمندی بود.»

عبده زندگینامه‌اش را با توصیف خانواده‌اش می‌آغازد؛ پدرش ترك نژاد است هر چند که مدتها در مصر زیسته و در آن دیار ریشه دوانده است و نسب مادرش به عمرین خطاب، خلیفه دوم، می‌رسد. در این جا شیخ بر کم توجهی مسلمانان به نسب شناسی خرده می‌گیرد و تفسیرهای هوشمندانه‌ای برای چنین پدیده‌ای ذکر می‌کند و می‌گوید که آنچه از تبار خود نوشته مبتنی بر روایات شفاهی است و راهی برای اثبات آن- بویژه نسب مادرش- در دست نیست. سپس شیخ نقل می‌کند که در او ان جوانی از تحصیل رویگردان شد تا آنکه به وسیله یکی از داییهای مادرش، پیری صوفی، به ارزش آن پی برد و از بیراهه بازگشت و نزد او علوم عقلی و نقلی را

عوامل العلوم والمعارف والاحوال من الآيات والاخبار والاقوال

- شیخ عبدالله بن نورالله بحرانی اصفهانی. مستدرکات. سید محمد باقر موحد ابطحی. (قم، مؤسسة الامام المهدي، ۱۴۱۳ ق). ج ۳/۱۵، ص ۶۳۰، وزیری.



پس از آنکه علامه سترگ مولی محمد باقر مجلسی اصفهانی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ ق) کار تالیف و تدوین دائرة المعارف عظیم و گرانسنگ بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمه الاطهار را به سامان رسانید، به فکر آن شد تا با نگارش مستدرک البحار تمام اخبار و احادیث اهل بیت عصمت

- علیهم السلام- را یکجا گرد آورد (بحار، ج ۱، ص ۴۶) که یاد در گذشتش، این آرزو انجام پذیرفت.

پس از چندی، یکی از برترین شاگردان وی، دانشمند و محدث بزرگ، شیخ عبدالله بحرانی، آستین همت بالا زد و در پی انجام خواسته استاد خویش بر آمد. وی با نگارش کتاب ارزنده عوالم آنچه را که استاد در کتاب بحار الانوار نیاورده بود، با نظمی جدید همراه با ابداع در تنظیم و ابتکار در عناوین، یکجا گرد آورد و بدین سان دو دائرة المعارف ارزشمند بحار و عوالم بر روی هم، گنجینه‌ای پر بار از اخبار و احادیث آل محمد - علیهم السلام - است. جز اهمل الله عن الاسلام والمسلمین خیر الجزاء. مجلدات مختلف این کتاب در گوشه و کنار کتابخانه‌های شخصی و عمومی ایران و عراق یافت می‌شود، که خود نشانگر اقبال و توجه بسیار دانشمندان به این کتاب است. (الذریعة، ج ۱۵، صص ۳۵۶-۳۵۷).

چند سالی است که مؤسسه امام المهدی در قم دست به تحقیق و انتشار و تکمیل احادیث و اسانید و رجال این کتاب زده است و از آن چند جلدی را چون کتاب علم و جهل، علم و عقل، نصوص الائمه، حضرت زهرا، امام حسن، امام حسین، امام سجاد، امام باقر، امام کاظم و امام جواد - علیهم السلام - منتشر کرده است و کتابهای امام صادق و امام المهدی و امام علی - علیهم السلام - را نیز در دست انتشار دارد.

ما آنچه را در پیش رو داریم، جزء سوم از جلد پانزدهم (زندگانی امیرالمؤمنین علی - علیه السلام -) است که به حدیث غدیر

مصری، متهم می‌کند و همین مسأله را از عوامل عمده چالش و درگیری با مجموعه عربی پاشا می‌داند. عبده قیام عربی را به معنای امروزی آن تفسیر نمی‌کند، بلکه آن را به حوادثی فردی و حتی مسائلی شخصی باز می‌گرداند و معتقد است انقلابی که بعدها رخ داد ناشی از هراس عربی بر جان خود از سوء قصد بود.

عبده در خواست حکومت پارلمانی از طرف عربی پاشا را به موضعی شخصی تفسیر می‌کند و معتقد است: «عربی، تصور می‌کرد وجود نظام پارلمانی در کشور و مجلس شورای ملی، نگرهبان زندگی و حافظ حقوق او در انجام وظایفش و پناهگاه او خواهد بود.» شیخ از اختلاف نظرش با عربی سخن می‌گوید؛ زیرا این یک خواستار حکومت پارلمانی بود، حال آنکه شیخ در گفتگویی که با او داشت دیدگاهش را چنین بیان کرد: «در این شرایط باید تا جایی که بتوان به آموزش و پرورش بپردازیم و حکومت را تا آن جا که ممکن است به دادگری و ادار کنیم.» عبده اعتراف می‌کند که عربی موفق شد خودش را به نماینده خواستهای مردم بدل کند و به خدمت آنان در آید تا آن جا که انقلاب او «انقلاب مردم گشت نه انقلاب ارتش.» آنگاه نویسنده از سقوط حکومت توفیق پاشا و به وزارت رسیدن شریف پاشا سخن می‌گوید. در این دوران بارودی وزیر جنگ و دریا می‌شود و شریف پاشا می‌کوشد قانون اساسی را تصویب و اجرا کند، ولی فرانسه و انگلستان در برابر تشکیل مجلس نمایندگان مانع ایجاد می‌کنند و تجربه دموکراسی شکست می‌خورد: «همین که فرانسه و انگلستان از این قانون اساسی با خیر شدند، بحرانی سیاسی به وجود آوردند تا مانع تصویب آن شوند و بتوانند همچنان در امور مصر مداخله نظامی کنند.

متن خاطرات شیخ در این جا به پایان می‌رسد و طناجی از نوشته‌های رشید رضا برای روشن کردن ماجرای جنبش عربی پاشا و اشغال مصر به وسیله انگلستان سود می‌جوید.

در مجموع، این کتاب ارزیابی شخصی‌ای از بخشی از تاریخ مصر است و بر جنبه سیاسی قضیه تأکیدی اساسی دارد و به همین دلیل بیشتر به کار پژوهشگر تاریخ می‌آید تا خواننده معمولی. لیکن آنچه کتاب را با واقعیت‌های فعلی پیوند می‌دهد، بیان وسیله‌های گوناگونی است که دولت‌های بیگانه برای مداخله در جهان اسلام از آن بهره‌گیری می‌کنند؛ وضعیتی که امروزه آن را کاملاً حس و در آن زندگی می‌کنیم؛ آنان فریاد دموکراسی سر می‌دهند و از بهره آن هر زمان بخواهند استفاده می‌کنند، اما همین که ملتها خواستار آن شدند و کوشیدند از ثمرات آن بهره‌مند شوند، حقوقشان نادیده گرفته می‌شود و به آنان اجازه تعیین سرنوشت خود داده نمی‌شود. خواننده پس از فراغ از آخرین سطور با خود زمزمه می‌کند که حکایت همچنان باقی است.

ترجمه سید حسن اسلامی

العالم، دوم ذی‌قعدة سال ۱۴۱۳، شماره ۴۸۰، ص ۵۴.

اختصاص دارد. دربارهٔ حدیث غدیر و شرح واقعهٔ منصوب شدن علی-علیه السلام- به امارت مؤمنان و امامت مسلمانان، از روز نخست تاکنون کتابهای بیشماری نگاشته شده است. (رک: الغدیر فی التراث الاسلامی، سید عبدالعزیز طباطبایی، در مجلهٔ تراثنا، ش ۲۱، ص ۱۶۶-۳۱۹). اما بدون شک، چاپ جدید این کتاب بر بسیاری از آنها برتری داشته و با سعی و کوشش فراوان مؤلف و محققان اثری ستودنی و کتابی ماندنی به وجود آمده است و این نتیجهٔ دقت مؤلف و گروه محققان احادیث و جستجوی در کتابهای تاریخ، حدیث، تفسیر و سیره شیعه و سنی است.

اکنون این کتاب به زیور طبع آراسته شده و چشم کاوشگران و جستجوگران در زوایای تاریخ و حدیث بدان روشن شده است، با چابی ممتاز، تحقیقی متین و استوار و عرضه‌ای سودمند. در تحقیق و تعلیق این اثر گرانقدر تنی چند از محققان مؤسسهٔ امام مهدی با نظارت آقای سید محمد باقر موحد ابطحی همکاری کرده‌اند.

در مقدمهٔ مفصل این کتاب ابتدا به شرح واقعهٔ غدیر و برخی از فضایل امام علی-ع- پرداخته شده و سپس به منصب امامت و تنصیبی بودن آن و اینکه واقعهٔ غدیر برترین نص بر خلافت امیرالمؤمنین-ع- است، اشاره گردیده است.

کتاب بر اساس نسخهٔ کامل مقابله، تحقیق و تصحیح شده است. محققان در تحقیق و تعلیق این کتاب، آیات، اخبار و گفتار محدثین شیعی و سنی را دقیقاً استخراج و با مصادر اولیه آنها سنجیده‌اند. سپس به تلفیق بین عوالم، بحار و مصادر اولیه و کتابهای دیگر برای عرضهٔ یک اثر جامع دربارهٔ حدیث غدیر پرداخته‌اند. نیز شرح و توضیح کلمات مشکل، شرح حال برخی از اعلام راویان و محدثان و شاعران و توضیح نام قبایل، فرقه‌ها و مکانهای تاریخی و از همه مهمتر فهرستهای فنی کتاب- که ۳۵ فهرست بوده و بیش از ۲۳۰ صفحه کتاب را به خود اختصاص داده- زینت افزای این کتاب است.

فهرستهای فنی و ابتکاری کتاب عبارتند از:

- ۱- بعضی از کتابهای سنی که در آن نزول آیهٔ «یا ایها الرسول بلغ...» دربارهٔ علی-ع- در روز غدیر خم تصریح شده است. (۴۰ کتاب)
- ۲- نام کسانی که نزول آیهٔ «تبلیغ» را دربارهٔ امیرالمؤمنین، روایت نموده‌اند. (۱۶ نفر)
- ۳- برخی کتابهای سنی که در آنها به نزول آیهٔ «الیوم اکملت لکم...» دربارهٔ علی-ع- در روز غدیر، تصریح شده است. (۲۶ کتاب)
- ۴- راویان نزول آیهٔ اکمال دربارهٔ علی-ع- (۳۵ نفر)
- ۵- کتابهای سنی که به داستان شان نزول آیهٔ «سال سائل بعذاب واقع» دربارهٔ دشمنان امیرالمؤمنین در روز غدیر، اشاره نموده‌اند. (۱۴ کتاب)
- ۶- نام راویان نزول آیهٔ «سال سائل...» دربارهٔ دشمنان امیرالمؤمنین-ع- در روز غدیر. (۶ نفر)

۷- راویان حدیث غدیر از صحابه (۱۶۹ نفر) و جای یاد کرد آنان در کتابهای سنی.

۸- کتابهایی که در آنها حدیث غدیر را به ترتیب نام صحابه، روایت کرده‌اند. (۱۳ کتاب)

۹- مصادر حدیث غدیر به ترتیب ائمه.

۱۰- کتابهای سنی که حدیث غدیر را به ارسال مسلم، استخراج کرده‌اند، با تعیین جلد و صفحه. (۴۶ کتاب)

۱۱- راویان حدیث غدیر از تابعین. (۱۰۱ نفر)

۱۲- کتابهای سنی که در آن تهنیت و شاد باش خلیفهٔ اول و دوم به امیرالمؤمنین-ع- را در روز غدیر روایت کرده‌اند. (۶۸ کتاب)

۱۳- مناشدات به حدیث غدیر. (۱۰ سوگند)

۱۴- احتجاجات به حدیث غدیر. (۱۶ احتجاج)

۱۵- کسانی که به نفع علی(ع) به حدیث غدیر شهادت دادند. (۳۵ نفر)

۱۶- کسانی که شهادت به حدیث غدیر را کتمان کردند و به نفرین علی-ع- گرفتار شدند. (۸ نفر)

۱۷- طبقات راویان حدیث غدیر از دانشمندان اهل تسنن به ترتیب قرون. (۳۷۵ نفر)

۱۸- راویان حدیث غدیر به ترتیب حروف الفبا. (۱۸۷ نفر)

۱۹- ناقلان حدیث غدیر به ترتیب حروف الفبا. (۱۳۷ نفر)

۲۰- بزرگان مؤلفان دربارهٔ حدیث غدیر (۲۷ نفر) که البته بیش از اینها هستند.

۲۱- برخی از مصادر سنی که به نقل حدیث غدیر پرداخته‌اند. (۱۰۰ کتاب)

۲۲- اشاره به ترجمه و توثیق راویان و ناقلان حدیث غدیر، از صحابه و تابعین. (۵۰ نفر)

۲۳- اشاره به شرح حال کسانی که حدیث غدیر را در کتابهای خود بازگو کرده‌اند.

۲۴- راویان و ناقلان حدیث ثقلین از صحابه و تابعین که گواهی داده‌اند پیامبر اکرم در روز غدیر خم آن را فرمود (۴۶ نفر) و تعیین حدیث آنها در کتابهای مختلف و طبقات روات حدیث ثقلین در طول قرون.

(این فهرست حدود پنجاه صفحه است و خود رسالهٔ مستقلی به شمار می‌رود.)

۲۵- اعلام شاعران غدیر به ترتیب قرون. (۱۰۶ نفر)

۲۶- تفاسیر سنی که کلمهٔ «مولی» را به معنی «اولی» تفسیر کرده‌اند. (۴۳ تفسیر)

۳۳ تا ۲۷- اعلام: ملائکه و انبیاء، پیامبر و ائمه اطهار، زنان و مردان، مکانها، روزها، قبایل و مذاهب، موضوعات. (۷ فهرست)

ناصرالدین انصاری قمی
